

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبداللطیف صدیقی للندری

کانادا - اول جولای ۲۰۱۱

از اشعار دوران دربردی در پاکستان

(بخش نهم)

لعل رخشان

با اطمینانی که از نوشته پرلطف مؤرخ ۲۲ اپریل ۲۰۱۱ (صفحه ۲۳ اپریل ۲۰۱۱) نویسنده و شاعر توانا و مبارز انجنیر صاحب معرفی حاصل گردید، اینک بسته اشعار دوران دربردی و بی سرنوشتی اقامت پاکستان خود را تقدیم نمودم، تا بعد از تصحیح و پیرایش لازم، به تدریج افتخار نشر را در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" پیدا کند. بدینوسیله از جناب شان و تمامی متصدیان معزز پورتال عزیز و باوقار ما صمیمانه سپاسگزارم.

لعل رخشان

یاد ایامی که ——— نام جان جانان تو بود
در همه دار و جودم نقش زیبایی تو است
در هوای عشق تو صد نقد جان بازیده ام
ساعر و پیمانہ ام ای دلبر زیبا کجاست
در ——— رابات مغان دانی لبان لعل تو
تا به کی نالان بگردد در نوای عشق تو
بی تو بر من ساغور و پیمانہ باشد ناروا
ساغور و پیمانہ ام آن لعل رخشان تو بود

جان و دل خرم به عشق و حسن تابان تو بود
لحظه ای این جان و دل کی فارغ از جان تو بود
زانکه شور عشق جان در بند هجران تو بود
این چنین ساغور مرا آن لعل فتان تو بود
می فروشی مینمود و خلق حیران تو بود
آنکه نالد روز و شب مرغمان بستان تو بود
ساغور و پیمانہ ام آن لعل رخشان تو بود

خانه بردوش ره عشق تو شد خواجه لطیف
التفاتی کن که سرگردان دالان تو بود